



Shaere.ir

«پاییز زیر پوست ما»



ذوق زده می شد
پاییز
زیر پوست ما
و
قدم میزد
هر نفس
شانه به شانه مهر را
پنجه می ساید
عشق
درز انگشتانمان را
در فشردنی
که آه می کشید غبطه
در نگاه رهگذران
و زمان
ماراتن حسد را سوت میزد
بال به نهر می سپرد
قاصدک

در خطری
تا قربانی کند خود را
در رساندن مژده همسایه بودنمان
به گوش باغ

تزیق می شد
شیره ی درختان غارت شده
در رگهای من
وقتی غزل

در کاوش بلورهای سپید
حنجره ات را نوازش می کرد
و مست میشد
یاخته هایم از تلاوت واژه
در اختلاط بوسه های پی در پی

هنوز
کنار توام اینجا
کنار منی آنجا
باور نداری؟
از باغبان بپرس

ستاره فرخنده نژاد